

آزادی زندانیان سیاسی در بوته صبر

امیرفیض حقوقدان

همانطور که ایران یاران گرامی استحضار دارند در ابتدای آبانماه سال جاری اعلیحضرت پیش نویس شکایت نامه ای راکه به آن عنوان رسمی و بین المللی داده شده است منتشر فرمودند، و از سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان و شورای حقوق بشر اتخاذ تصمیماتی را برای الزام جمهوری اسلامی به آزادی زندانیان سیاسی خواستار شدند که چون علاقمند بودند تانسبت به پیش نویس شکوائیه مزبور ایرانیان اظهار نظر کنند بنده هم تحریری زیر نام < اعلیحضرت پیشگام آزادی زندانیان سیاسی > تنظیم که بوسیله جاوید ایران منتشر گردید و طبق معمول نسخه ای از آن هم به سایت < ۱۴۰۰ سال > منتقل شد.^۱

امروز که هفتم آذرماه است در سایت اعلیحضرت < بالاترین > پیامی دیده میشود باتیتر زیر:

«گزارشی از مراحل اجرائی شکایت نامه جهت اقدام برای آزادیهای زندانیان سیاسی»^۲

هنگامیکه تیتر گزارش را خواندم و به عبارت < مراحل اجرائی شکایت > رسیدم خوشحال شدم که شکایت اعلیحضرت مراحل اجرائی راطی کرده که گزارش آن منتشر شده است ولی وقتی کمی تامل شد دیدم خیر، گزارش راجع به تنظیم شکایت نامه است نه مراحل اجرائی و در کلامی دیگر هنوز شکایت نامه تنظیم نشده تاچه رسد که به مراحل اجرائی نزدیک شود، فکر میکنم نویسنده گزارش خواسته است بنویسد < گزارش تنظیم پیش نویس شکایت > که عبارت از کنترل خارج و مراحل اجرائی نوشته شده است.

در گزارش آمده است که تاکنون یعنی ظرف یکماه ۳۲۰۰ پیام در رابطه با پیش نویس شکوائیه رسیده است و نویسنده گزارش، که خود از قلمت این تعداد شاید منقلب بوده اضافه کرده است که < بعلمت گستردگی وبلاگها و عدم وجود امکانات و باتوجه به توانایی ها و امکاناتی که وبگاه بالاترین در اختیار قرارداده این گزارش تنظیم میگردد >

مضمون گزارش مزبور این است که گزارش، مدیون امکاناتی است که وبگاه بالاترین در اختیار گذاشته است یعنی اگر بالا ترین به این ترحم و بذل و بخشش دست نمیزد از این ۳۲۰۰ نفر هم خبری نبود پس بر ماست که به بالاترین و ارباب آن که اسرائیل است یک خدا بیامرز بفرستیم!

بنده متخصص نیستم و نمیدانم که چه امکانات فوق العاده ای برای انتشار یک پیش نویس شکایت نامه لازم است که اعلیحضرت و گروه سلطنت طلبان، عاجز از تامین آن هستند ولی بالاترین قادر است.

چگونه سایت اعلیحضرت که بنا بر اعلام خودشان در سال ۱۳۷۹ هر روز بطور متوسط ۲۸،۰۰۰ بار مراجعه داشته و ظرف ۲ ماه ۳،۲۰۰،۰۰۰ مراجعه به سایتشان شده، اکنون بعد از یکماه فقط ۳۲۰۰ نفر به پیش نویس نامه مورد نظرشان رجوع کرده اند یعنی در مقایسه با سال ۱۳۷۹ بجای ۲۸۰۰۰ نفر فقط ۱۰۰ نفر بوده است و در مقایسه دیگر بجای ۳،۲۰۰،۰۰۰ نفر در دو ماه که میشود ماهی ۱،۶۰۰،۰۰۰ نفر فقط ۳۲۰۰ ارباب رجوع داشته اند.

بنا بر اعلام اعلیحضرت در انجمن ملی مطبوعات آمریکا، ظرف ۴ سال ۷۰ میلیون بار مراجعه داشته اند. چرا حالا به این وضع متالم کننده رسیده ایم که باید باعصا و امکانات یک سایت وابسته به بیگانه مورد نفرت همه ایرانیان، گزارش مزبور به زیور تشکر از سایت بالاترین مزین گردد؟

^۱ - <http://1400years.org/AmirFeyz/AzadeZandanianRPAhromEjrail-AmirFeyz-6Nov2011.pdf>

^۲ http://www.rezapahlavi.org/details_article.php?persian&article=548

نمیخواهم بگویم علت این افت عظیم و سرشگستگی آشکار، وابستگی اعلیحضرت به سایت اسرائیلی بالاترین است ولی حق دارم از خودم این مایه رابگذارم که من باهمه اشتیاقی که به قرانت سایت پادشاهم دارم بمناسبت سایت بالاترین، در دستیابی به آن امساک میکنم.^۳

بیان اعلیحضرت است که در شهریورماه سال ۱۳۷۹ فرمودند:

<اگر حرکتی از جانب مردم استقبال نگردد منجمله کار خودم، یک جای کاری لنگد و باید دید ایراد کار کجاست>

بنابراین بیش از همه اعلیحضرت باید نسبت به این ریزش استقبال عمومی علاقمند به شناخت علت باشند علتی که دلایل شکل گیری آن اظهار من الشمس است.

عجله کار شیطان است

یکماه صرف وقت برای تنظیم یک پیش نویس نامه که آنهم به کمال نرسیده خیلی تأمل برانگیز است، ممکن است در تنظیم یک عهدنامه بین المللی به چنین صرف زمانی نیاز بشود ولی در مورد پیشنویس یک نامه بی سابقه است. آخرین تصمیم که پیش نویس یک نامه با صلاحدید هزاران ویاملیون ها مردم ایران تهیه شود از کجا تیر خلاصش به مغز ما خورده است؟

این بیان اعلیحضرت است که میفرماید:

«اگر موفق نشدیم همه رازیرچتر واحدی در آورم علتش ساده انگاری من بود که اعتقاد زیادی به پیشرفت کارها از طریق دموکراتیکی داشتم» (مصاحبه با احمد احرار- کیهان)

با این تجربه گرانبها چرا باید یک کار اداری دفتری، بارنگ ساده انگاری و رعایت طریق دموکراتیکی به مبارزه وصله شود؟

اصلا چرا ما تعجیل داریم!، شتاب در کارها زمانی موجه است که اگر شتاب نشود، حالت و وضعیت تغییر کند. اکنون ۳۰ سال است که هم جمهوری اسلامی باقی و هم زندانیان در زندان ها اسیر و هم سازمان ملل و شورای امنیت برقرار است چه تعجیلی است! که نامه مزبور فوراً به سازمان داده شود صبر داشته باشیم که <الصبر و مفتاح الفرج> <صبر تلخ است ولی میوه شیرین دارد> اسدی شاعر هم گفته <بهرکار، بهتر درنگ از شتاب>

ماسی سال است صبر کرده ایم حالا به دست انداز عجله افتاده ایم خیر، آهسته آهسته سرفرصت بانظر مردم پیش نویس نامه تهیه شود و برای اینکه نشان بدهیم که ما دموکرات هستیم شاید لازم باشد که پیش نویس نامه هم به همه پرسى گذاشته شود (!!)

برای بگریان انداختن آنهم هیچ شتابی! نیست بهتر است تعلل شود تا جامعه جهانی که مثل دعای بیوقتی به مبارزه ما قیام و مسلط است مسئله ایران را بنا بر اعتباراتی، به شورای امنیت ببرد و آنوقت شکایت مورد بحث هم به شورای امنیت تسلیم گردد که پایگاهی باشد برای تصمیم شورای امنیت و استفاده از اهرم های اجرائی ماده ۴۲ علیه ایران چنانکه در پیش نویس اولیه نامه هم به آن اشاره شده است.

^۳ از زمان بازگشایی بلاگ در زیر ساخت بالاترین (blogspot.com) مسلماً تعداد مراجعه کننده به تارنمای رسمی اعلیحضرت کاهش یافته زیرا همین مسئله از نظر فنی و روابط عمومی مردم را بین چند جای مختلف پراکنده کرده است؛ فیس بوک، توئیتر، بالاترین، اورکوت، Digg، Vimeo & YouTube، در حالیکه همه جا از قدرت تمرکز سخن رانده می شود، ابزار پراکنده کردن افکار همگانی در همه جابکار گرفته می شود و بشر زود باور به دام می افتد. ح-ک

حساسیت حرکت در مسیر حقوق بشر

حرکت مبارزاتی در جهت استفاده از اعلامیه جهانی حقوق بشر بسیار حساس است به این توضیح :

یکی از تاکتیک های آمریکا در توجیه مداخله در امور کشورها، توسل به نقض حقوق بشر در کشورهایی است که در محور سیاسی آمریکا قرار ندارند، این تاکتیک یک امر تصادفی نیست <کمیتة خطر جاری> متصدی تنظیم پروژه ای است که نام < دلتا > را به آن داده اند و موضوع آن استفاده از امکانات بمنظور راه یافت آمریکا و ایران میباشد ماده ۱۲ آن، یک پیام آشکار است که چنین آمده است:

«نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و قضائی آمریکا و متحدانش باید در همکاری با سازمان های حقوق بشر به جمع آوری مدارک و شواهدی در متهم کردن مسئولین ایرانی اقدام کنند»

اولین اقدام علیه جمهوری اسلامی بخواست رعایت حقوق بشر در اوایل سال ۱۳۵۶ در لندن بوسیله سنگر تحت عنوان منشور دادخواهی صورت گرفت که در فرصتی و بمناسبتی شرح و تفصیل آن داده خواهد شد، ولی در آن سالها مسئله رعایت حقوق بشر مانند امروز حادث نبود و دوم اینکه مانند این سالها از اسباب شناخته شده آمریکا در مداخله در امور کشورها محسوب نمیشد و خلاصه اینکه آن منشور یک حرکت مبارزاتی و نمایشی بیش نبود و به نتیجه ای هم نرسید.

در سالهای اخیر کمپین های حقوق بشری با جمع کردن امضا یک صورت مسئله فراگیر برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی شده است، مانند کمپین یک میلیون امضا برای آزادی دوفعال حقوق زنان سال ۱۳۸۹.

- کمپین برای لغو مجازات اعدام اکتبر ۲۰۱۱ - کمپین یک میلیونی برای مخالفت با قوانین تبعیض نژادی - فرخوان استراسبورگ برای الغای مجازات اعدام بهمن ۱۳۸۰ - فراخوان بین المللی برای توقف اعدام نوجوانان شهریور ۱۳۸۷ و امثالهم ولی هیچکدام از آنها به نتیجه ای که خواست و هدف کمپین بود نرسید ولی پرونده حقوق بشر جمهوری اسلامی راسنکین و درحقیقت ماده ۱۲ طرح یالتا را برای آمریکا قوام بخشید.

حرکت در مسیر نقض حقوق بشر در ایران نیاز به دقت و حساسیت فوق العاده ای دارد چراکه اگر به نقض حقوق بشر در ایران اهمیت داده نشود به تکلیف انسانی عمل نکرده ایم و اگر در مسیران حرکت کنیم و کنترل آنرا از دست بدهیم مسلما به ابزار بیگانگان در مداخله در امور ایران و نهایتا اقدامات نظامی علیه کشورمان تن داده ایم.

به دلیل بلااست که؛

در این تحریر از حضور اعلیحضرت استدعا میگردد که اگر طرحشان سبب آزادی

زندانیان سیاسی نگردد در مسیری قرارنگیرند که طرح اسباب تصمیم جامعه

جهانی به اقدامات نظامی علیه کشورمان گردد.